

طراحی فرهنگسرا با توجه به الگوی معماری حسینیه‌های دوره‌ی قاجار کاشان*

عسل ستار*^۱، بهرام گسیلی^۲، یاور رستم‌زاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۵

چکیده

ساخت بناهایی آئینی نظیر حسینیه‌ها در دوره‌ی قاجار در شهر شیعه‌نشین کاشان بسیار پررونق بوده، چراکه برآمده از فرهنگ و معرف فرهنگ مذهبی مردمان این خطه بوده است. با توجه به نابسامانی و گسست فرهنگی که در معماری شهر کاشان به چشم می‌خورد، نیاز به فرهنگ‌سازی در ارتباط با بکارگیری الگوهای گذشته احساس می‌شود. پیشینه‌ی مذهبی فرهنگی شهر کاشان گواه بارزترین و ماندگارترین این الگوها، الگوی معماری حسینیه‌های دوره‌ی قاجار است که خود شاخصه‌ی شهر کاشان محسوب می‌گردد. اهداف اصلی که در پژوهش دنبال می‌شود طراحی فضایی آموزشی فرهنگی جهت گذران اوقات فراغت و توجه به توسعه و رشد فرهنگی اجتماعی منطقه و نیز فرهنگ‌سازی و ترویج فرهنگ بومی منطقه‌ی کاشان، الهام‌گیری از ارزش‌های آئینی اسلامی گذشته و ارائه‌ی اثری ماندگار، حفظ هویت و ارزش‌های اجتماعی تاریخی منطبق بر زمینه و خلق فضایی پاسخ‌دهنده است. در این راستا سعی شده با روشی کیفی براساس ویژگی‌های الگوی معماری حسینیه‌ها، به طراحی فرهنگسرا و فضاهای آن پرداخته شود. از این رو به خلق فضاهایی بیانجامد که در عین برخورداری از شخصیتی مستقل و متناسب با عملکرد خویش در پیوند با سایر فضاها بوده و قابلیت پاسخ‌گوئی به نیازهای متنوع مخاطبین را از طریق ایجاد فضاهایی اجتماع‌پذیر و دعوت‌کننده ضمن تعریف قلمرو و حفظ امنیت دارا باشد و در نهایت مجموعه‌ای یکپارچه جهت افزایش تعاملات اجتماعی و تبادلات فرهنگی در کنار برنامه‌های آموزشی و از همه مهم‌تر آشنائی با فرهنگ بومی منطقه که هدف اصلی طراحی مجموعه بوده است ارائه شود؛ لذا توجه و تأکید طرح بر به کارگیری مفاهیم هویتی و فرهنگی - مذهبی منطقه بوده که در فرم و فضاهای فرهنگسرا تجلی یافته است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، فرهنگسرا، معماری آئینی، حسینیه، الگو

۱-دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران، شماره تماس: ۰۹۱۳۹۶۱۱۲۵۸، asal.sattar.1360@gmail.com

۲- استادیار دانشکده معماری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

۳- استادیار دانشکده معماری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

مقدمه

معماران در طول زمان همواره به دنبال خلق فضاهایی برآمده از زمینه‌های فرهنگی جامعه‌ی خویش بوده‌اند، همچنین سعی در بازنمایی فرهنگ، باورها، عقاید و آداب و رسوم و ارزش‌های بومی خویش در قالب معماری داشته‌اند تا بدین وسیله میان انسان و کالبد معماری پیوندی ناگسستنی برقرار نمایند و فضا را درخور حضور و منطبق با الگوهای رفتاری و عملکردی انسان نمایند. به عبارتی معماران موظف‌اند فضایی برآمده از فرهنگ جامعه‌ی خویش خلق نمایند که پاسخگوی نیازهای فرهنگی، رفتاری، عملکردی و ارزش‌های افراد باشد که در این میان بازخوانی الگوهای معماری گذشته با داشتن قابلیت‌های مذکور می‌تواند راه‌گشای بسیاری از مشکلات رایج در معماری معاصر محسوب شود. بنابراین روشن است که استقبال از ناهماهنگی و ارج نهادن به تجددخواهی با بهره‌مندی از هویتی فرهنگی ماندگار در مغایرت است و شهرهای معاصر را درگیر نوعی بی‌نظمی و آشوب می‌نماید که در ابعاد گوناگونی متجلی می‌گردد: «بروز جلوه‌ها و قیافه‌های مختلف بناها در شهر و عدم تبعیت‌شان از الگو یا نظامی واحد؛ کاهش کیفیت مناسب بناها و کاهش طول عمر و پایداری‌شان؛ هیجان و شتاب موجود در ذهن مردم برای مالکیت و سودآوری در رابطه با موضوع ساختمان؛ سرعت یافتن بیش از حد در تنوع بخشی به معماری و ساخت و ساز کالبدی و مواردی این چنین» (معظمی و حجت، ۱۳۹۶: ۱۰۴). بنابراین در معماری معاصر شاهد نوعی گسست فرهنگی در معماری هستیم که خود معضلاتی را در پی دارد؛ از جمله عدم انطباق و همخوانی معماری با زمینه و الگوهای رفتاری در آن و گریزی نیست مگر روی آوردن به الگوهای معماری گذشته و انطباق و بکارگیری آن در معماری، چرا که گسست فرهنگی خود ناشی از بی‌توجهی معماران نسبت به الگوهای گذشته و بریدن از ارزش‌های فرهنگی بومی خویش است. این معضل به ویژه در معماری فضاهای آیینی - مذهبی و نیز فرهنگی بسیار چشمگیر است و این‌گونه فضاها را دچار گونه‌ای گسیختگی و تضاد با کاربری و هدفی که برای آن طراحی شده‌اند نموده است. در نتیجه فرهنگ‌سازی در رابطه با باززنده‌سازی الگوهای معماری آیینی کارآمد گذشته که خود بخش مهم و گویایی از فرهنگ اصیل مردمان است، ممکن نخواهد شد مگر با بازخوانی، شناخت و استفاده صحیح این الگوهای ارزشمند که در رابطه با معماری آیینی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند.

قرن‌ها نظم و قواعد جاری در ساختار شهرهای سنتی متأثر از نمادها و آیین‌های مذهبی بوده است و سبب ایجاد فضایی پاسخ‌گو به بسیاری از نیازهای روحی و روانی ساکنان خود گردیده است. آمس راپاپورت^۱ معتقد است که عوامل فرهنگی، به ویژه باورهای مذهبی مردم، مبنای نظم بخشی به سکونت‌گاه‌های انسانی بوده است (مظهری و پودات، ۱۳۹۸: ۱۹۱). آیین سوگواری از کهن‌ترین و بنیادی‌ترین آیین‌های تاریخ ایران است؛ این آیین‌ها پس از اسلام، همگام با ایدئولوژی اسلامی و فلسفه سوگواری در تشیع، بواسطه‌ی عشق و ارادت قلبی شیعیان به امام حسین همواره از مهم‌ترین آیین‌های ملی ایران به شمار رفته است (محمودی و طاووسی، ۱۳۸۷: ۶۸). همچنین آیین‌های عزاداری بخش کلیدی از فرهنگ شیعی هستند که فارغ از کارکردهای مذهبی، دلالت‌ها و کارکردهای اجتماعی بسیاری نیز دارند (رحمانی و فرخزاد، ۱۳۹۲: ۴۱). اهمیت آیین عزاداری در نزد مردم سبب خلق اماکن آئینی نظیر حسینیه‌ها گردیده است. به عبارتی «یکی از عوامل تأثیرگذار بر سازمان فضایی مجتمع‌های زیستی این خطه آیین‌ها و مراسمی است که از دیرباز در آن‌ها برپا می‌گردد و دیرپاترین آن‌ها مراسم عزاداری ابا‌عبدالله به ویژه در عاشورا می‌باشد.» (نقی زاده و امین زاده، ۱۳۸۲: ۱۳). ساخت بناهایی آئینی نظیر حسینیه‌ها در دوره‌ی قاجار در شهر شیعه‌نشین کاشان بسیار پررونق بوده است، چراکه شاهان قاجار جهت کسب اعتبار حاکمیت خویش به پشتیبانی از تشیع، برپائی آیین‌های عاشورائی و تأمین هزینه‌های حسینیه‌ها و تکایا می‌پرداختند (شریفی شکوه، ۱۳۹۷: ۱۳۲). همچنین شهر زمینه‌ی حسینیه‌های مورد بررسی، کاشان در نظر گرفته شده است، زیرا نه تنها از پیشینه و گذشته‌ای غنی در رابطه با آیین، مذهب و تشیع برخوردار است، در معماری معاصر آن نیز «شاهد گسست فرهنگی، نفوذ مؤلفه‌های غیر بومی و ناآشنا با حافظه بصری مردم و عدم توجه به زمینه در بافت تاریخی آن هستیم» (نظام‌دوست و همکاران، ۱۳۹۸: ۶).

با توجه به نابسامانی و گسست فرهنگی که در معماری شهر کاشان به چشم می‌خورد، نیاز به فرهنگ‌سازی در ارتباط با بکارگیری الگوهای گذشته احساس می‌شود. پیشینه‌ی مذهبی فرهنگی شهر کاشان گواه بارزترین و ماندگارترین آیین الگوها، الگوی معماری حسینیه‌های دوره‌ی قاجار است که خود شاخصه‌ی شهر کاشان محسوب می‌گردد. لذا اهداف اصلی که در پژوهش دنبال می‌شود طراحی فضایی آموزشی فرهنگی

¹ Amos Rapaport

جهت گذراندن اوقات فراغت و توجه به توسعه و رشد فرهنگی اجتماعی منطقه و نیز فرهنگ‌سازی و ترویج فرهنگ بومی منطقه‌ی کاشان، الهام‌گیری از ارزش‌های آیینی اسلامی گذشته و ارائه‌ی اثری ماندگار، حفظ هویت و ارزش‌های اجتماعی تاریخی منطبق بر زمینه و خلق فضائی پاسخ‌دهنده است.

اصلی‌ترین سؤالی که به واسطه‌ی طرح پاسخ داده خواهد شد این است که «چگونه طراحی مجموعه‌ای فرهنگی براساس الگوی معماری حسینیه‌های دوره‌ی قاجار کاشان بر طرح کلی و فضاهای شکل‌دهنده‌ی فرهنگسرا اثر می‌گذارد؟» فرضیه‌ی پژوهش نیز از یک دیدگاه کلی براساس مؤثر واقع شدن بکارگیری الگوی معماری حسینیه‌ها در طراحی فضاهای فرهنگی و دستیابی به اهداف ذکر شده، به عنوان راه‌کاری جهت فرهنگ‌سازی و انتقال فرهنگ مذهبی و غنی شهر کاشان در می‌باشد.

پیشینه پژوهش

با وجود اهمیت و جایگاه الگوهای معماری گذشته و پژوهش‌های معدود صورت گرفته در این زمینه هنوز شاهد گسست فرهنگی در معماری بوده، چراکه فرهنگ‌سازی در این زمینه به‌صورت کارآمدی صورت نگرفته است.

در ادامه به سایر پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی فرهنگ و معماری و تأثیرات این دو برهم پرداخته می‌شود و نیز پژوهش‌هایی که بیشترین شباهت را از نظر بکارگیری الگوهای اصیل معماری و محتوا با موضوع پژوهش حاضر دارند مورد مطالعه قرار می‌گیرند. در پژوهشی با عنوان «تطبيق نقش الگو و مفاهیم مبتنی بر تجربه در فضای معماری» به بررسی نقش الگو در معماری پرداخته و بر این نکته تأکید نموده‌اند که تکرار الگو در فضاهای گوناگون زمینه‌های معرفی و فهم الگو را فراهم می‌نماید و اینکه الگو مفهومی انتزاعی بوده که با برقراری رابطه بین عناصر معماری جهت رفع نیاز انسان اقدام می‌نماید (سلطانی، منصوری و فرزین، ۱۳۹۱). در مقاله‌ای دیگر با عنوان «طراحی فرهنگستان سرناد در بافت شهری تاریخی یزد (نمونه موردی: محله تاریخی اکبرآباد)»، به ارائه طرحی برای فرهنگسرای ویژه‌ی موسیقی پرداخته و بر تأثیر موسیقی بر فرهنگ و معماری تأکید نموده و با تکیه بر عرفان و کاربرد نمادهای عرفانی در معماری به منظور احیای فرهنگ موسیقی و بافت شهری تاریخی، طرحی با رویکرد موسیقی عرفانی ارائه داده شده است (فلاح و دهقان منشادی، ۱۳۹۷).

پژوهشی با عنوان «حفاظت از میراث و آموزش معماری، یک شیوه آموزشی برای آتلیه طراحی» حفظ ارزش‌های سنتی و فرهنگی جوامع برای آیندگان را یک چالش واقعی معرفی نموده است و یک روش برای حفاظت از میراث فرهنگی را استفاده مجدد تطبیقی از بناهای تاریخی دانسته و بر ترویج یک فلسفه طراحی که از رویکردهای یکپارچه‌ی احیای ارزش‌های میراث جوامع سنتی پشتیبانی می‌کند تأکید نموده است، و به این نتیجه رسیده است که برنامه‌های آموزش معماری که بر احیاء و حفاظت از ارزش‌های میراث جوامع متمرکزند می‌توانند به عنوان یک رویکرد مؤثر در پروژه‌های حفاظت از میراث فرهنگی در نظر گرفته شود (E. Embaby, 2014). پژوهشی دیگر با عنوان «اهمیت و معنای معماری سنتی در آموزش معماری» به تأثیر سنت و ارزیابی آن در آموزش معماری می‌پردازد و اینکه سنت در معماری اتصالی مطمئن بین گذشته و آینده ایجاد می‌کند و بوسیله‌ی آخرین تکنولوژی به معماری مدرن انتقال می‌یابد (Ulusoy & Yildiz Kuyrukcu, 2012).

با توجه به اهمیت و جایگاهی که حسینیه‌های دوره‌ی قاجار در هویت‌بخشی به شهر کاشان داشته‌اند، لذا دستیابی به الگوی معماری این فضاهای آیینی جهت بکارگیری در طراحی فرهنگسرا برای فرهنگ‌سازی در زمینه‌ی استفاده از الگوهای معماری آیینی و معرفی فرهنگ مذهبی شهر کاشان، عامل اصلی شکل‌گیری پژوهش حاضر است.

روش‌شناسی

روش تحقیق مبتنی بر روشی کیفی بوده، به لحاظ هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی است. بدین صورت که در ابتدا مفاهیم سازنده‌ی پژوهش مورد بررسی و مطالعه قرار خواهد گرفت؛ سپس براساس ویژگی‌های الگوی معماری حسینیه‌ها، ویژگی‌های بستر طرح، برنامه فیزیکی و ایده‌های شکل گرفته طراحی فرهنگسرا و فضاهای آن انجام خواهد شد. در این پژوهش از ابزار کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است و سعی شده با بررسی پژوهش‌های صورت گرفته و اسناد و مدارک معتبر نتایج و پیشنهادات راه‌گشایی در جهت طراحی فرهنگسرا ارائه گردد.

همچنین جهت ارائه‌ی طراحی از ابزارهای رایانه‌ای چون اتوکد، فتوشاپ و تری‌دی مکس بهره گرفته شده است.

مبانی نظری

معماری هر قومی تبلور دین، مذهب و باورهای است که به عنوان عضوی از فرهنگ و میراث فرهنگی معنوی هر جامعه‌ای نقش پررنگی در تجلی آیین‌ها بر عهده دارند. به عبارت دیگر «هر فرهنگ الگوی رویدادهای خود را با آن دسته از عناصر کالبدی فضا مشخص می‌کند که در آن فرهنگ متداول‌اند» (الکساندر، ۱۹۷۹: ۵۹). این عناصر کالبدی معین به عنوان الگوهایی پایدار دائماً تکرار شده و به طرق مختلفی با هم در می‌آمیزند و سبب خلق معماری گویا در بردارنده‌ی پیام‌هایی نمادین می‌گردند (کازمی شیشوان و بایوردی، ۱۳۹۸: ۴۰). بنابراین الگوهای معماری بجامانده از قرون متمادی در باز زنده‌سازی فرهنگ، باورها و آیین جوامع نقش کلیدی ایفا می‌نمایند.

«متأسفانه تاریخ معاصر ایران به دلایل زیاد و در ابعاد مختلف با انقطاع فرهنگی و گسست از تجارب تاریخی و اصول بی‌زمان جاری در سنت‌های ارزشمند فرهنگ خودی مواجه شده است و یکی از آثار این گسست دور شدن از هویت بومی در آثار معماری امروز ایران است» (حاجیان و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۴). لذا شناخت صحیح و استخراج الگوهای معماری از زمینه‌ی تاریخی خود امری ضروری و اثرگذار محسوب می‌گردد، چرا که با ورود به عصر جهانی شدن و ظهور الگوهای فاقد معنا و ناهمگون با زمینه شاهد پیدایش معماری ناهنجار و ناکارآمد هستیم که هیچ‌گونه پیوندی با فرهنگ منطقه و نیز عملکردی که برای آن طراحی شده است ندارد. این معضل به ویژه در معماری فضاهای آیینی و مذهبی بسیار چشمگیر است و این گونه فضاهای را دچار گونه‌ای گسیختگی و تضاد با کاربری و هدفی که برای آن طراحی شده‌اند نموده است. در نتیجه فرهنگ‌سازی در رابطه با باز زنده‌سازی الگوهای معماری آیینی کارآمد گذشته ممکن نخواهد شد مگر با بازخوانی و شناخت صحیح این الگوهای ارزشمند که در رابطه با معماری آیینی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند.

با توجه به مطالب مذکور پژوهش حاضر بر محوریت سه مفهوم فرهنگ، آئین و الگو سازمان می‌یابد که در نتیجه منجر به بروز طراحی بر مبنای این مفاهیم می‌گردد. از این رو جهت ارائه‌ی تحلیلی دقیق‌تر نیاز به شناخت و مطالعه‌ی کافی این مفاهیم و تعلقات آن‌ها است، لذا در این بخش از پژوهش به بررسی و تبیین این سه مفهوم پرداخته می‌شود و چگونگی ارتباط هر یک با معماری مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

فرهنگ

فرهنگ واژه‌ای فارسی و مرکب از دو جزء «فر» و «هنگ» است. «فر» به معنای شکوه و عظمت است و «هنگ» از ریشه‌ی اوستایی «هنگ» به معنای کشیدن، فرهیختن و فرهنگ در نظر گرفته شده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۷۱۳۲). این واژه‌ی اصیل ایرانی به مفهوم رشد و تعالی بوده و در مفهوم جدید فرهنگ، به معنی سبک و الگوی زندگی است (خرم‌رویی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۳). به عبارتی فرهنگ تبلور ارزش‌های فردی و جمعی جامعه بوده و جهان‌بینی جامعه را شکل داده و به صورت‌های مختلف در ادبیات، هنر، تاریخ، فلسفه، سیاست، اخلاق، گفتار، کردار، مدیریت و ... متجلی می‌شود. فرهنگ یک جامعه ثمره‌ی تاریخ آن است که با جوامع مجاور و سایر فرهنگ‌های جهان دارای همبستگی است. فرهنگ‌ها از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و از فرهنگی به فرهنگ دیگر مبادله می‌شوند (مؤمنی و مسعودی، ۱۳۹۴: ۶۸). لذا فرهنگ هر جامعه‌ای دارای ابعاد مادی، معنوی و عملکردی بوده که از دل تاریخ بیرون آمده و زیربنای شکل‌گیری و هویت آن جامعه محسوب می‌گردد که در کلیه‌ی شئون زندگی اجتماعی و فردی رسوخ کرده و هدایت جامعه را برعهده دارد. فرهنگ کلتی پیچیده از هنجارها و ارزش‌ها در سه بعد مادی، معنوی و عملکردی است که هویت، شخصیت، سنت‌ها، آداب و رسوم، آئین‌ها و سبک زندگی یک جامعه را سازمان‌دهی می‌نماید و تبعیت آحاد اعضای یک جامعه را به همراه دارد، البته تأثیر عوامل طبیعی، گرایش‌های فطری، پدیده‌های روانی و رویدادها و سیاست‌های حاکم بر یک جامعه نیز در شکل‌دهی به فرهنگ دخیل‌اند.

تأثیر فرهنگ در معماری ایران

یکی از تأثیرگذارترین نمادهای فرهنگی و هویتی کشور ایران، معماری آن است که از نشانه‌های اصلی فرهنگ و تمدن است (علی‌محمدی و

عبدلهی، ۱۳۹۶: ۳۴). معماری ایران از ترکیب دو عامل فرهنگی یعنی سنت و مذهب اسلام تأثیر پذیرفته است. به عبارتی همان گونه که شهرهای تازه مسلمان ایران فرهنگ اسلامی را می پذیرفتند، اسلام نیز آئین ها و فرهنگ هایی را که با اصول و احکام خویش در تضاد نمی یافت محترم می شمرد؛ لذا ترکیبی از فرهنگ بومی و احکام اسلامی، فرهنگ ایرانیان را شکل می داد. اسلام نه تنها ساختار اجتماعی، فرهنگی و جهان بینی ایرانیان را دگرگون نمود بلکه سبب تکامل معماری ایران نیز گشت، گواه این مطلب معماری با هویت مساجد، تکایا، حسینیه ها، مقابر، مدارس و ... می باشد. برای نمونه می توان به تأثیر فرهنگ در معماری فضاهای عمومی شهر اشاره نمود که هدف مهمی در ساخت این گونه فضاها دنبال می شده است، چرا که باید منافع عموم در ساخت این بناها رعایت می شده و از همه مهم تر نقش آموزشی که بناهای عمومی در ترویج و انتشار دین و فرهنگ اسلامی ایفا می نموده اند بایستی مورد توجه واقع می شد. در ادامه به اختصار به بررسی ارزش های قابل مشاهده معماری بناهای ایرانی، متأثر از فرهنگ بومی و اسلامی پرداخته خواهد شد (جدول ۱):

جدول ۱. مظاهر فرهنگ در معماری (مأخذ: نگارندگان)

مظاهر فرهنگی	مصادیق
اهمیت زیبایی، تعادل، هماهنگی و نظم	رعایت تناسب هندسی در معماری (کریمی و مرادی، ۱۳۹۹: ۶؛ دهار و علی پور، ۱۳۹۲: ۳۴)
نماد و سمبل	خلق رمز و نماد در معماری جهت افزایش حس ادراک فضا (کاظمی و کلانتری، ۱۳۹۰: ۴۵)
حس وحدت و مرکزیت	فضای محصور مرکزی بر یک مبنای منظم هندسی (مسعودی فرد و کوچکیان، ۱۳۹۲: ۱۱۶)، مانند صحن یا حیاط مرکزی
شفافیت و تداوم بصری	عدم وجود موانع در مسیر حرکت انسان، خلق فضائی مواج و گشوده (اردلان و بختیار، ۱۳۹۶: ۴۷)
اصل سلسله مراتب	تعریف فضا به وسیله سطوح شان (اردلان و بختیار، ۱۳۹۶: ۶۳)، اولویت فضاها از نظر دسترسی
اصل درون گرایی	محصوریت، ضوابط دخول، خلوت، دوام حضور در قلمرو و تفکیک جنسیتی (ناری قمی، ۱۳۸۹: ۷۰ و ۶۹)
اصل حریم و حجاب	رعایت حریم از دو جنبه کالبدی و معنایی (مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۱)، تفکیک فضاهای درونی و بیرونی، رعایت اصل سلسله مراتب، در نظر گرفتن فضای بینابینی هشتی پیش از ورود به فضای اصلی، همچنین مردم واری و رعایت مقیاس انسانی از دیگر مصادیق حرمت می باشد (اوچیزی و مهدی نژاد، ۱۳۹۸: ۴۱).
اصل تقارن	تقارن شکلی از تعادل بوده که از سازمان دهی اجزا در دو طرف محور بندی ها پدید می آید (بمانیان و امینی، ۱۳۹۰: ۲۰).
اصل وحدت	شهر سنتی در معنای عمیقی «وحدت در کثرت» را در خود متجلی ساخته است. این اصل زیربنای معماری و شهرسازی ایران را تشکیل داده و از اصل اعتقادی اسلام یعنی توحید سرچشمه می گیرد (رضوی پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۲).
اصل فضاهای متباین	قرارگیری سطوح برجسته و فرورفته در کنار هم یا مجاورت فضاهای روشن و تاریک، همچنین تلاقی مسیرهای گشاده و باریک و ...
اصل امنیت	رعایت حریم ها و تفکیک فضاهای خصوصی و عمومی، همچنین در نظر گرفتن نیازهای گروه های سنی مختلف به ویژه سالمندان
کمال جوئی	پرهیز از انجام و بکارگیری امور و عناصر غیر ضروری و قرارگیری هر جزئی از کل در جایگاه مناسب و مطلوب خود (نقی زاده، ۱۳۷۹: ۶۷).
قناعت	معنای حداکثر بهره گیری از منابع در دسترس بدور از اسراف (نقی زاده، ۱۳۷۹: ۶۷)
بوم آوری	حداکثر بهره وری از امکانات بومی (نقی زاده، ۱۳۷۹: ۶۶).
اصل احتراز از کبر و خودنمائی	سیمای محله های قدیمی به گونه ای طراحی گردیده که هیچ بنایی از بنای مجاور خود از نظر ارتفاع افزون تر به نظر نمی رسد.
حضور عوامل طبیعی	مصادیق آن را می توان در عناصر کالبدی چون بادگیرهای گوناگون، حوض، نورگیرهایی متناسب با نیاز فضا و ... مشاهده نمود.

مصادیق و مظاهر فرهنگی در معماری ایران

فرهنگسرا

مرکز فرهنگی یا فرهنگسرا مفهومی نوپا است که قدمت زیادی ندارد. اولین فرهنگسرای امروزی، با نام خانه‌ی فرهنگ در سال ۱۹۶۲ توسط مالرو^۱ تأسیس شد. او اعتقاد داشت خانه‌های فرهنگ به مثابه کلیسا بوده که در عوض فراگیری مسائل مذهبی، فرهنگ عرضه می‌شود. وی خانه‌های فرهنگ فرانسه را به عنوان مراکز آموزشی برمی‌شمرد و معتقد بود این مراکز باید به عنوان الگو برای آموزش افراد در نظر گرفته شود نه محلی برای تجربه و آزمایش (منصوری و ثقفی، ۱۳۹۸: ۲۷۲). به عبارتی فضاها‌ی فرهنگی به‌عنوان فضائی عمومی به‌گونه‌ای اختیاری افراد را جهت مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی ترغیب می‌نمایند و بستری جهت تعامل و تبادل فرهنگی فراهم (محمدی و آیت‌اللهی، ۱۳۹۳: ۷۹). هریسون^۲ فرهنگسرا را این‌گونه تعریف می‌کند «مکانی که در آن باید تعامل انسانی و تبادل فرهنگی میان تمام اقشار جامعه در تمام سنین و طبقات اجتماعی برقرار شود. بنابراین فرهنگسرا نه در حکم بنایی باشکوه که مخاطبی خاص از یک طبقه‌ی ویژه دارد، بلکه به عنوان فضای عمومی‌ای که در واقعیت، با حیات روزمره و زندگی مردم شهر به صورت فعال درگیر است، واجد معنا بوده و ارزش کارکردی نه صرفاً نمادین دارد» (منصوری و ثقفی، ۱۳۹۸: ۲۷۳).

به عبارتی قلمروی فضای عمومی به تمامی فضاها‌ی اطلاق می‌شود که توسط مردم قابل دسترسی و استفاده است. در قلمروهای عمومی شهری الگوهای تعامل اجتماعی و قابلیت‌های فضای معماری بنا شده از اهمیت خاصی برخوردار هستند. چراکه میان تعامل اجتماعی و دل‌بستگی مردم به محیط‌های اجتماعی رابطه‌ای تنگاتنگ به چشم می‌خورد (محمدی و آیت‌اللهی، ۱۳۹۳: ۸۱). با توجه به تعاریف و مشخصه‌هایی که از فضاها‌ی فرهنگی و عمومی ارائه گردید یک فرهنگسرا فضای عمومی با عملکردی مشخص بوده که توانائی جذب و پذیرش افراد در طبقات مختلف اجتماعی را داشته و با سهولت دسترسی زمینه‌ی بهبود کیفیت روابط و شرایط فرهنگی اجتماعی را فراهم می‌آورد.

پیشینه‌ی فرهنگسرا در ایران

همان‌گونه که ذکر گردید فرهنگسرا به عنوان نهادی فرهنگی جهت پاسخ‌گویی به نیازهای فرهنگی افراد، برخاسته از دل فرهنگ جامعه، شکل می‌گیرد و سبب ارتقاء کیفی، ترویج و معرفی فرهنگ جامعه می‌گردد.

«در پیشینه‌ی فرهنگی ایران، بنایی مشابه فرهنگسراهای امروزی دیده نمی‌شود. اما مراکز دیگری بوده‌اند که به امر ترویج و آموزش فرهنگ جامعه‌ی ایرانی اشتغال داشته‌اند. لذا بررسی و مطالعه‌ی مراکز تجمع سنتی و فرهنگی ایران گویای وجود خانه‌های فرهنگ از قدیم‌الایام در این سرزمین به صورت‌ها و فرم‌های متفاوت و متنوعی متناسب با زمان خود بوده است که مردم اوقات فراغت خود را در این کانون‌ها سپری می‌نموده‌اند و بدین وسیله فرهنگ اصیل ایرانی نسل به نسل و سینه به سینه به نسل‌های بعدی منتقل می‌شده است. مهم‌ترین این نهادها‌ی سنتی جالب‌توجه فرهنگی شامل مساجد، قهوه‌خانه‌ها و زورخانه‌ها بوده است که مراکز گردهمایی افراد جامعه و ارتباطات انسانی محسوب می‌شده است» (مدرس‌پور نوری، ۱۳۶۹: ۸۸). بنابراین می‌توان گفت در تاریخ فرهنگی ایران مساجد، حسینیه‌ها، تکایا و ... به عنوان مراکز و کانون‌های فرهنگی نخستین محسوب می‌شده‌اند که مکانی برای تکامل و آموزش فرهنگ و مذهب بشمار می‌رفته‌اند و نقش مهمی در انتقال و اشاعه‌ی فرهنگ اصیل مذهبی خود به آیندگان ایفا نموده‌اند.

معماری آئینی

آیین^۳ در لغت به معنای کیش، سیرت، رسم، عرف، عادت، روش، خلق، خصلت، خوی، منش، طبع، ادب و روش آمده است (دهخدا، ۱۳۲۵: ۲۳۱). آئین‌ها و سنت‌ها در یک جامعه فرهنگ‌ساز هستند، چرا که سبب شکل‌گیری تفکر و عقایدی‌اند که حیات و دوام‌شان در تکرارشان نهفته

¹ Malro

² Harrison

³ Ritual

است و مرزهای مکانی، قومی را تعیین کرده و هویت فرهنگی جامعه را بوجود می‌آورند (دریایی، ۱۳۹۵: ۲۰). آئین‌ها با تکیه بر ادیان و باورها فرهنگ جامعه را شکل داده، با سنت‌ها درآمیخته و در راستای فرهنگ جامعه زمینه‌ی مشارکت در اجرای آئین را فراهم می‌سازند. برای این منظور آئین‌ها از ابزارهایی چون کلمات و اشیا بهره می‌گیرند، ازین رو به مکان‌هایی که قابلیت پذیرش و تأمین اهداف آئین موردنظر را دارند متکی هستند. همچنین آئین‌ها دارای ماهیت اجتماعی بوده که در تمامی جنبه‌های جامعه نفوذ کرده و رفتار انسان‌ها را جهت و نظم می‌بخشند و مانند الگویی ارزشمند و ماندگار در طول تاریخ تداوم یافته و تکرار می‌شوند.

«ابنیه‌ی آئینی از گذشته‌های دور تا امروز قداست خود را حفظ نموده‌اند. معماری این بناها بازگوکننده‌ی آئین‌ها و شاخصی برای آئین‌ها بوده‌اند. لذا تداوم و جاودانگی آئین‌های بشری با تکرار الگوی معماری آنها محقق می‌شود. و این تکرار آن‌ها را به عنوان نماد آئین‌ها بدل نموده و به گونه‌ای الگوی معماری با آئین‌ها درآمیخته و به وحدت و یکپارچگی می‌رسند» (دیزانی، ۱۳۹۲: ۱۳). عناصر معماری آئینی به‌صورتی نمادین انعکاس‌دهنده‌ی آئین بوده و بواسطه‌ی ظرف زمان و مکان باورهای دینی جامعه را بازتاب می‌دهند و بدین وسیله رابطه‌ی متقابل عناصر هویت بخش به جامعه‌ی انسانی را منعکس می‌کنند (ذال و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۵). بارزترین نمونه‌ی این تجلی، منظر عاشورایی است که هر ساله با جلوه‌های آئینی خاص خویش بر معرفت روحانی آئین‌گذاران افزوده و مکان و زمانی فرا مادی را شکل می‌دهد. به عبارتی معماری به عنوان هنری مقدس از آئین الگو گرفته و آن روح ازلی را در کالبد فضا دمیده و به جریان انداخته است. به عنوان نمونه‌ای بارز می‌توان به مکان‌های هویت‌مندی که در اثر آئین‌های عاشورایی پدید آمده‌اند مانند حسینیه‌ها و تکایا اشاره نمود و به وضوح حضور عواملی مانند هویت، حس تعلق، اتحاد اجتماعی و تکرار خاطره‌سازی را که سبب بقاء و ماندگاری آئین عاشورایی و به تبع آن اماکن آئینی گردیده‌اند را شاهد بود. در ادامه به بررسی حسینیه‌های دوره‌ی قاجار کاشان به‌عنوان شاخص‌ترین معماری آئینی و معرف فرهنگ مذهبی شهر کاشان پرداخته می‌گردد.

شناخت حسینیه‌های دوره‌ی قاجار کاشان (ماداب، پهلوان، حاج‌نایب، دیزچه و درب‌باغ)

کاشان از کهن‌ترین شهرهای ایران می‌باشد که مذهب، آئین و به تبع آن معماری آئینی، بافت و ساختار آن‌را می‌سازد و ریشه‌های عمیق آئین را در معماری این شهر باستانی از گذشته در چهارطاقی‌های ساسانی تا دوره‌ی قاجار در حسینیه‌ها و مساجد به وضوح می‌توان مشاهده نمود. در واقع بعد از اسلام، کاشان شهری است که فرهنگ و هنر اسلامی به ویژه اعتقادات مذهبی شیعه در تار و پود آن جلوه‌گر می‌شود؛ شکوه و جلالی را متبلور می‌سازد که در جهت تکامل تمدن و فرهنگ ادوار گذشته می‌باشد.

کاشان همچنین از دیرباز به عنوان پناه‌گاه علویان و یکی از شهرهای شیعه‌نشین ایران مطرح است؛ این شهر که قدمت آن به لحاظ تمدنی به تپه‌های سیلک می‌رسد پس از پذیرفتن اسلام در سال ۲۴ ه.ق نشانه‌های مذهب تشیع در آن پدیدار گشت (حاجی‌زاده و رحیمی، ۱۳۹۸: ۲۹). با روی کار آمدن قاجارها و انتقال پایتخت به تهران کاشان به عنوان شهری مرتبط‌کننده‌ی شهرهای مهم ایران مانند تهران، اصفهان و جنوب مورد توجه قرار گرفت و همینطور شاهان قاجار به دلیل نیاز مبرم به حمایت شرعی علماء به کاشان و علماء آن بهاء ویژه دادند (شکاری، ۱۳۸۵: ۱۵۵). به طور کلی در این شهر پنج حسینیه در دوره‌ی قاجار بنا گردیده است که در ادامه به مطالعه و بررسی معماری این پنج حسینیه‌ی دوره‌ی قاجار کاشان پرداخته خواهد شد (تصویر ۱).



تصویر ۱. نقشه‌ی هوایی موقعیت استقرار حسینیه‌های دوره‌ی قاجار کاشان (مأخذ: نگارنده)

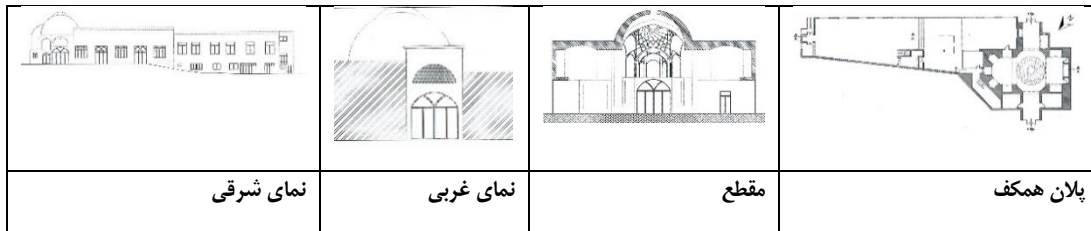
۱) حسینیه‌ی ماداب

مجموعه‌ی ماداب در منطقه‌ی فین بزرگ کاشان در محله‌ی ماداب که وجه تسمیه‌ی نام اثر نیز می‌باشد، بر بنای قدیمی حسینیه و حمام

تاریخی این منطقه در دوره قاجار بنا شده است. بنای حسینی‌ی ماداب با مساحتی در حدود ۱۴۰۰ مترمربع یکی از ابنیه‌های تاریخی کاشان بشمار می‌رود که مشتمل بر سه طبقه (زیرزمین، همکف و طبقه اول) می‌باشد. بخش اصلی این بنا را حسینی‌ی ماداب تشکیل می‌دهد و بخش‌های الحاقی که در ادوار بعدی به بنا اضافه شده‌اند شامل مسجد، حمام می‌باشند. در ضلع غربی حسینی‌ی یک آب‌انبار قدیمی دیده می‌شود که با مسجد، حسینی‌ی و حمام مجموعه‌ای فرهنگی مذهبی را شکل می‌دهند. همچنین سقف بنا گنبد یک‌پوش بوده که با تزئینات کاربردی جلوه‌ی بسیار بدیعی یافته است (تصویر ۲ و ۳) (دفتر فنی اداره میراث فرهنگی کاشان، ۱۳۸۴).



تصویر ۲. از راست به چپ: گنبد بر روی کابندی بر فراز صحن؛ حجم بیرونی حسینی‌ی از جبهه شرقی (مأخذ: نگارندگان)



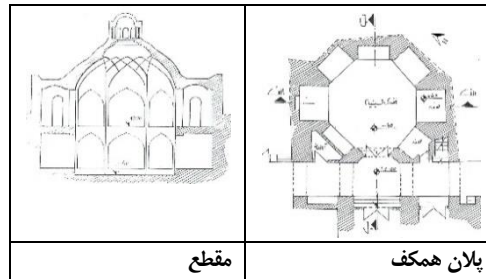
تصویر ۳. پلان، مقطع و نما (مأخذ: دفتر فنی اداره میراث فرهنگی کاشان)

۲) حسینی‌ی پهلوان

این حسینی‌ی در بخش مرکزی بافت فین بزرگ کاشان، محله حاج علی آقا توسط خیری بنام محمد پهلوان، حدود ۱۴۰ سال پیش در دوره قاجار در جنب راسته‌ی گذر مسقف تاریخی که به لحاظ قدمت هم‌دوره و شاید تاریخی‌تر از حسینی‌ی می‌باشد، برای مراسم عزاداری بنا گردیده است. بنا دارای پلانی هشت وجهی که در هر ضلع آن غرفه‌ای با عمق متوسط ۱ تا ۲ متر در دو طبقه تعبیه شده است و کف غرفه‌ها ۴۰ سانتی‌متر از کف حسینی‌ی اختلاف ارتفاع دارد. طبقه‌ی فوقانی با راه پله مجزا که از داخل گذر به آن دسترسی دارد جهت استفاده‌ی بانوان در نظر گرفته شده است. تزئینات معماری عمده‌ی بنا، شامل پوشش کاربردی رسمی دوپا شاغولی سقف که داخل آلت‌ها با آجر بدون لعاب و لعابدار لاجوردی تزئین گردیده است؛ همچنین ازاره آجری داخل حسینی‌ی، آجرهای لعابدار فیروزه‌ای پنجه شیر لبه‌ی نورگیر و خود نورگیر از جمله تزئینات بنا می‌باشند و هیچ اثری از تزئینات گچبری و یا نقاشی وجود ندارد (دفتر فنی اداره میراث فرهنگی کاشان، ۱۳۸۴). با توجه به پوشش کاربردی سقف و شباهت نحوه‌ی تزئین آجری پوشش با کارهای زمان قاجاری، قدمت بنا همچنین طبق گفته‌ی اهالی منطقه متعلق به عصر قاجار می‌باشد (تصویر ۴ و ۵).



تصویر ۴. از راست به چپ: نمای شمالی حسینیه؛ کاربندی و کلاه‌فرنگی گنبد؛ غرفه‌های هم‌کف و فوقانی؛ گنبد و گذر رو به روی حسینیه؛ (ماخذ: نگارندگان)



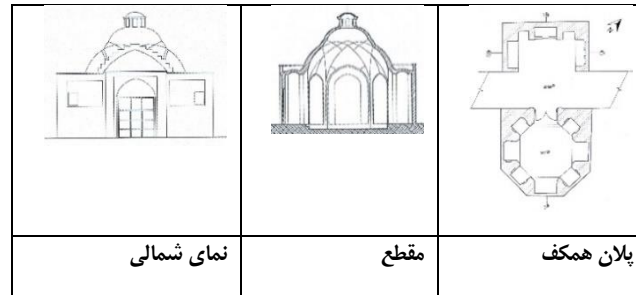
تصویر ۵. پلان و مقطع (ماخذ: دفتر فنی اداره میراث فرهنگی کاشان)

۳) حسینیه‌ی حاج‌نایب

این حسینیه نیز در بخش مرکزی فین بزرگ کاشان، محله‌ی حاج نایب با همین نام بنا شده است. که با توجه به سبک و شیوه‌ی معماری، قدمت بنا به دوره‌ی قاجار بر می‌گردد که بر روی شالوده‌های صفوی و با معماری قاجاری احداث شده است. این حسینیه در زیربنایی با مساحت حدود ۲۰۰ مترمربع (طول ۲۹ متر، عرض ۱۴ متر و ارتفاع ۱۲ متر) در ۲ طبقه با مصالح خشت و آجر احداث شده است. پلان آن مانند سایر حسینیه‌های موجود در منطقه‌ی فین به صورت هشتی که در هر ضلع آن غرفه‌ای بنا گردیده است، می‌باشد. به گفته‌ی اهالی این بنا در زمان صفویه احداث شده است ولی به دلیل تخریب در زمان قاجار توسط حاج نایب بازسازی و مرمت گردیده است. نقطه ضعف بنا مشکل بودن دسترسی به طبقه‌ی بالا و همچنین پشت‌بام می‌باشد (دفتر فنی اداره میراث فرهنگی کاشان، ۱۳۸۷). همچنین یک تکیه‌ی کوچک در کنار حسینیه قرار دارد که به صورت روباز بوده و اکنون کاربری خاصی ندارد و از فضای بین تکیه و حسینیه به عنوان گذر استفاده می‌شود. از ویژگی‌های مهم این بنا می‌توان به دو محور عمود اشاره نمود که یکی در جهت قبله قرار دارد و دیگری عمود بر آن که محور دوم به عنوان گذر استفاده می‌شود. از نظر تزئینات بنا دارای گچ‌بری در شاه‌نشین و سایر بدنه‌ها می‌باشد و پوشش طاق شاه‌نشین نیز کاربندی است. پوشش طاق‌های ایوان سمت قبله و روبه‌روی آن نیز از نوع کلمبو با کاربندی زیبایی می‌باشد (تصویر عو ۷) (دفتر فنی اداره میراث فرهنگی کاشان، ۱۳۸۷).



تصویر ۶. از راست به چپ: نمای شمالی و ورودی اصلی؛ تکیه مقابل حسینیه؛ کاربندی و کلاه‌فرنگی گنبد بر فراز صحن؛ غرفه‌های همکف و فوقانی؛ (ماخذ: نگارندگان)



تصویر ۷. پلان، مقطع و نمای حسینیه‌ی حاج‌نایب (مأخذ: دفتر فنی اداره میراث فرهنگی کاشان)

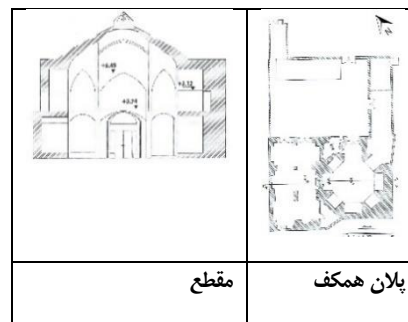
۴) حسینیه‌ی دیزچه

این حسینیه در محله‌ی دیزچه، کوچه‌ی سیدالشهدا که در مجاورت فین بزرگ می‌باشد بنا شده است به گفته‌ی اهالی و بزرگان محل بنا توسط حاج محمدرضا در حدود ۲۰۰ سال قبل ساخته شده است که با توجه به سبک معماری و نحوه‌ی تزئینات آجری و قدمت به دوره‌ی قاجار متعلق می‌باشد. این حسینیه نیز مانند حسینیه‌های فین بزرگ دارای پلان هشت وجهی با مساحت ۲۴۸ مترمربع بنا شده است که در هر ضلع آن در دو طبقه غرفه‌ای با عمق متوسط ۲۱۵ سانتیمتر قرار دارد که کف غرفه‌ها نسبت به کف حسینیه ۴۰ سانتیمتر بالاتر قرار می‌گیرند. دسترسی به غرفه‌های طبقه‌ی بالا که ویژه‌ی بانوان است به واسطه‌ی راه پله‌ای در ضلع شرقی صورت می‌گیرد (دفتر فنی اداره میراث فرهنگی کاشان، ۱۳۸۵). حسینیه دارای گنبد رفیعی می‌باشد که ارتفاع از کف حسینیه تا بالای گنبد ۱۰/۰۵ متر است و در قسمت مرکزی گنبد نورگیر دایره شکلی به قطر ۱/۵ متر قرار گرفته است. در ضلع شرقی حسینیه ۶۰ سال پیش حمام عمومی احداث گردیده است، همچنین در ضلع غربی حسینیه مسجد صاحب‌الزمان به مساحت ۲۱۵ مترمربع با معماری متناسب با حسینیه با اجرای طاق و تویزه و ستون‌ها بنا شده است، که بنا به تزئینات بکار رفته در آن مربوط به دوره‌ی قاجار می‌شود. حسینیه، مسجد و حمام در کنار هم مجموعه‌ای فرهنگی مذهبی را تشکیل داده‌اند. تزئینات بکار رفته در حسینیه شامل نقاشی رنگ روغن دیوارها تا ارتفاع ۱/۲۰ متری و سقف می‌باشد (تصویر ۸ و ۹).



تصویر ۸. به ترتیب از راست به چپ: کاربندی و کلاه‌فرنگی گنبد؛ غرفه‌های همکف و فوقانی؛ ورودی و دالان درونی؛ نمای شمالی و ورودی اصلی (مأخذ: نگارندگان)

تصویر ۹. پلان و مقطع حسینیه‌ی دیزچه (مأخذ: دفتر فنی اداره میراث فرهنگی کاشان)



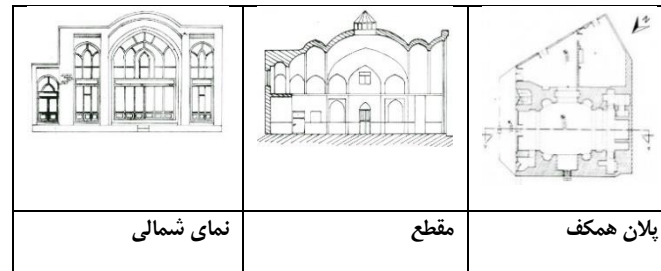
۵) حسینیه‌ی درب‌باغ

این اثر در خیابان فاضل نراقی کاشان، مرکز محله‌ی درب‌باغ واقع گردیده است؛ این بنا مربوط به دو دوره‌ی صفوی و قاجار می‌گردد. قدمت محله‌ی درب‌باغ به دوران صفویه برمی‌گردد و از محلات قدیمی شهر کاشان محسوب می‌شود، اگرچه پیشینه‌ی تاریخی این محله به قبل از قرن پنجم هجری باز می‌گردد (دفتر فنی اداره میراث فرهنگی کاشان، ۱۳۸۴).

تکیه‌ای در جبهه‌ی شمالی حسینیه می‌باشد که محل عبور و مرور است و چهار کوچه به آن متصل می‌شود که شکل حیاط حسینیه را به خود گرفته است. این تکیه که بصورت فتاحه در جلوی حسینیه قرار گرفته است دارای پلانی مربع شکل به ابعاد ۱۳ در ۱۶ متر می‌باشد و شامل چهار صفا مسقف با طاق مدور بوده که هم اکنون سه صفا‌ی آن باقی مانده است. آب انبار درب‌باغ نیز که مربوط به دوره‌ی صفویه می‌باشد در این فتاحه قرار دارد. فضای داخل حسینیه حالت صلیبی شکل داشته و سقف گنبدی آن بر ته رنگ مربع استوار است و در سه طرف فضای مرکزی دارای غرفه‌هایی در دو طبقه است که از کف حسینیه به ارتفاع ۳/۶ متر می‌باشد. زیر سقف گنبدی حسینیه دارای کاربردی گچی مختصر بر روی زمینه‌ی آجرنمایان در طرح‌های مختلف می‌باشد. آزاره‌های کاشی فیروزه‌ای رنگ در سال‌های اخیر نصب و به فضای داخلی حسینیه الحاق شده‌اند (تصویر ۱۰ و ۱۱).



تصویر ۱۰. به ترتیب از راست به چپ: تکیه‌ی مقابل حسینیه؛ کاربردی و نورگیر گنبد؛ غرفه‌های همکف و فوقانی؛ نمای شمالی و ورودی اصلی (مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۱۱. پلان، مقطع و نمای حسینیه‌ی درب‌باغ (مأخذ: دفتر فنی اداره میراث فرهنگی کاشان)

الگو در معماری آئینی ایران

دهخدا الگو را با واژه‌های مدل، سرمشق، مقتدی، اسوه، قدوه، مثال و نمونه معنی می‌کند (دهخدا، ۱۳۴۲: ۷۷). الگوها در شکل‌دهی به فضاها از دوران‌های باستان تا امروز نقش مهمی را ایفا کرده‌اند، همچنین قابلیت تکرار در دوره‌های مختلف را دارا می‌باشند بی‌آنکه خللی در کارکرد و فضافرینی آن‌ها وارد شود. الگوهای معماری ابزاری برای تجلی زبان، فرهنگ، ارزش‌ها، آیین‌ها و باورهای جامعه در کالبد شهر و بناها می‌باشند. به بیان دیگر «هر شهر و بنا هویتش را از رویدادها و الگوی رویدادهایی می‌گیرد که پیوسته و به کرات در آنجا اتفاق می‌افتد و الگوی رویدادها به نحوی با مکان پیوند دارد؛ بنابراین هر الگوی مکان الگوی رویدادی دارد که با آن ملازم است» (الکساندر، ۱۹۷۹: ۶۹ و ۷۷). طبق تعریف سالینگروس^۱ (۲۰۰۰) از الگو، «ما جهان پیرامون خود را مشاهده کرده و ساختار آنرا بوسیله‌ی خلاصه کردن آن به صورت علت و معلول و استناد به راه‌حلهای مکرر در شرایط مختلف بدست می‌آوریم. این قوانین تجربی که بیانگر نظم رفتار می‌باشند الگو نامیده می‌شوند» (Salingaros, 2000: 1). اندیشمند هندی آناندا کومارا سوامی^۲ طبیعت را یک «سرمشق» یا «مأخذ الهام» معرفی می‌کند و در این مورد می‌گوید که «هنرها، بدون استثناء، نمایش یا شبیه‌سازی یک سرمشق هستند» (ذکرگو، ۱۳۸۸: ۱۴۷).

در ایران به مرور زمان معابدی که به صورت غار در دل کوه‌ها قرار داشته، با فرم چارتاقی در قالب معابد آناهیتا در کوه ایجاد شده (همچون قلعه دختر)؛ سپس به چارتاقی‌های نشانه در مسیر کوهستان (همچون طاق گرا در قصر شیرین) و مکان‌های مقدس داخل کوه (همچون نیاسر و نسلج) و آتشکده‌هایی بر بلندی کوه‌ها تبدیل شده‌اند. در مرحله‌ی بعد، چارتاقی به صورت آتشکده به عنوان عنصر مقدس داخل شهر (نطنز) ظهور می‌یابد. پس از آن نیز این فرم به قسمت اصلی مسجد در مساجد گنبددار و سپس به عنوان شبستان اصلی مساجد تبدیل شده است؛ در نهایت فضای اصلی مقابر، کاخ‌ها، خانه‌ها و مدارس را شکل می‌دهد (بابک و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۶). بنابراین می‌توان گفت، الگویی که معماری آئینی ایران بر آن بنیاد نهاده شده است برگرفته از طبیعت بوده که شاخص‌ترین و مهم‌ترین آنها کوه می‌باشد. «در ابتدا براساس نیاز به امنیت و حفاظت از آن برای اعمال آئینی چون قربانی و طواف بهره گرفته شده است و به مرور زمان با نیازهای معنوی و روحی و روانی در سطوح بالاتر درآمیخته است و الگویی جدید متناسب با زمان خود را شکل داده است» (ستار و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۳).

¹ Nikos A. Salingaros

² Ananda Kumara Swami

ایران پس از کم‌رنگ شدن معابد زیگوراتی، معابد چارتاکی جایگزین آن‌ها شدند که این معابد نیز به نحوی در ارتباط با الگوی مقدس کوه‌ها و معابد غاری درون آن‌ها بوده‌اند؛ با این تفاوت که به شکلی انتزاعی‌تر و مفهوم‌گرایانه‌تر به کمک اشکال هندسی چون دایره و مربع که هر یک ریز الگوهای آن محسوب می‌شوند قداست و فضای روحانی خود را تجسم بخشیدند و به نوعی تداعی کننده و نمادی از کوه و مفهوم صعود به عالم روحانی و پیوند زمین به آسمان بودند (تصویر ۱۲).



تصویر ۱۲. سیر تحول معماری آئینی در ایران (مأخذ: نگارندگان)

ویژگی‌های الگوی معماری حسینیه‌های دوره‌ی قاجار کاشان

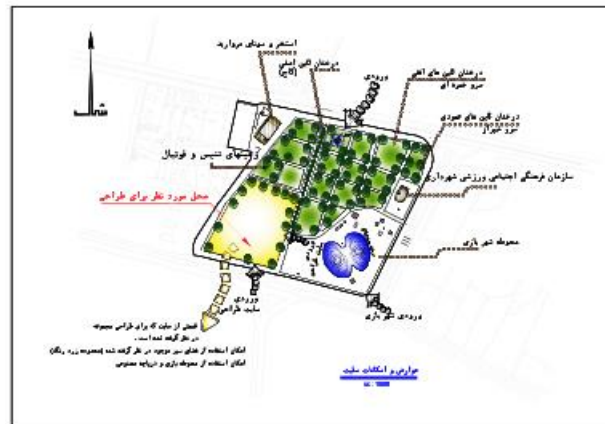
تحلیل و بررسی صورت گرفته در رابطه با الگوی معماری حسینیه‌ها بیان‌گر شاخص‌ترین ویژگی‌های الگوی معماری حسینیه‌ها شامل «هندسه و فرم مشخص بر پایه الگوی چهارتاکی، الگویی درون‌گرا، متقارن با رعایت مرکزیت و تداوم بصری در درون با دسترسی آسان از بیرون و برخورداری از فضاهای ارتباطی متعدد با سلسله‌مراتبی مشخص، بهره‌گیری از مصالح بومی و منطبق با اقلیم منطقه؛ مهم‌تر از همه تجلی فضایی نمایشی، مقدس و متمرکز به واسطه سازماندهی فضایی، برقراری شفافیت و تداوم بصری در داخل، به‌کارگیری عناصر معماری منطبق با عملکرد آئینی بنا نظیر نورگیر، گنبد، کاربندی و ... و رعایت سادگی در تزئینات است» (ستار و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۱) (جدول ۲).

جدول ۲. جمع‌بندی ویژگی‌های الگوی معماری حسینیه‌های دوره قاجار کاشان (مأخذ: ستار و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۲)

ویژگی‌ها	مؤلفه‌های پژوهش
استقرار در مرکز محله با توجه به جهت قبله و محوربندی در دو طبقه، فرم و هندسه مشخص، نمای شاخص، الگوی دسترسی مشخص، تعدد دسترسی	سطح کلان (ارتباط با محیط، فرم و شکل کلی)
حضور عناصر معماری آئینی ایران، رعایت اصول معماری آئینی (درون‌گرای، مرکزگرای، تقارن، سلسله‌مراتب)، شفافیت و تداوم بصری درون بنا	سطح میانی (تأثیر آیین بر الگوی معماری)
سادگی در تزئینات، به‌کارگیری مصالح بومی، سازه متناسب با ابعاد و سازگار با اقلیم، نزدیکی ابعاد و تناسب به نسبت طلایی و زرین ایرانی	سطح خرد (جزئیات بکاررفته)

معرفی بستر طرح

سایت طرح در شهر کاشان، در گوشه‌ای از یک پارک واقع در حومه‌ی شهر در نظر گرفته شده است. سایت دارای وسعت تقریبی ۳۱۰۰۰ مترمربع می‌باشد که بسیار وسیع و مناسب برای طراحی یک مجموعه‌ی فرهنگی است، همچنین از دو بخش زمین بایر و پارک بانوان تشکیل شده است که جهت طراحی مجموعه و غیر منطبق بودن عملکرد پارک با هدف طراحی دو کاربری با یکدیگر تلفیق می‌شوند. در جبهه‌ی جنوب غربی سایت یک بنای نیمه‌ساز با کاربری حوزه‌ی علمیه به وسعت ۱۰۰۰ مترمربع وجود دارد. لذا در استقرار مجموعه به رعایت حریم حوزه‌ی علمیه و نیز عدم مزاحمت دیداری و صوتی تأکید گردیده است. سایت از دو سمت شرقی و شمالی دارای دید و منظر مناسب به فضای پارک می‌باشد و از دو وجه دیگر خود به بلوار داتش و خیابانی فرعی مرتبط است (تصویر ۱۳).



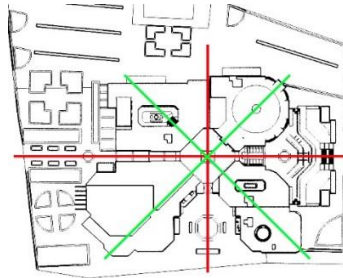
تصویر ۱۳. معرفی سایت طرح (مأخذ: نگارندگان)

معرفی مسیر طراحی

پایه و اصل هر فرآیند طراحی، شناخت وضعیت مسئله و پیدا کردن راه‌حلی برای رفع آن است و آنچه اهمیت دارد توجه به این نکته است که طراحی فرآیندی عملی و هدفمند است. ابتدا یک طراح باید شرایط موجود در یک مسئله را ثبت نموده و زمینه‌ی آنرا تعریف نماید سپس اطلاعات موردنیاز را جمع‌آوری کرده و تحلیل نماید که مهم‌ترین قسمت فرآیند طراحی است (دی. کی. چینگ، ۱۹۸۸: ۶). هدف اصلی از طراحی فرهنگسرا اعمال الگوی حسینی‌های دوره‌ی قاجار کاشان به منظور فرهنگ‌سازی در جهت به کارگیری الگوهای معماری گذشته است، که در نهایت مطالعه‌ی ایده‌ی اصلی منجر به ایده‌ها و راه‌حل‌های متعددی گردید، لازم به ذکر است که جهت تداوم ایده‌ها لازم است ذهنیت‌ها به عینیت سوق داده شوند. لذا در طراحی اصلی‌ترین معیارها برگرفته از الگوی معماری حسینی‌ها مانند مرکزیت، محوربندی‌ها، دسترسی‌پذیری، تقارن و ... در نظر گرفته شده است، همچنین در اولویت بعدی عواملی نظیر اقلیم گرم و خشک منطقه، مکان قرارگیری سایت به عنوان بخشی از پارک و دسترسی‌ها نیز مورد توجه قرار گرفته است. طرح در انطباق با معیارهایی شامل مواردی مانند آسایش اقلیمی، جهت‌گیری، بهره‌گیری از نور طبیعی، اجتماع‌پذیری و نفوذپذیری ... در سطح کلان و معیارهایی مانند تجلی آئین به واسطه‌ی عناصر معماری، مراتب دسترسی، درون‌گرایی و مرکزگرایی و ... در سطح میانی و نیز معیارهایی مانند دسترسی‌پذیری، هویت‌بخشی، مقیاس انسانی و بومی‌سازی و ... در سطح خرد شکل گرفته است تا بدین وسیله بتوان طراحی ایده‌آل و پذیرای اقشار مختلف جامعه ارائه داد.

تأثیر الگو معماری حسینی‌ها بر شکل‌گیری فضاها و ساختار کلی فرهنگسرا

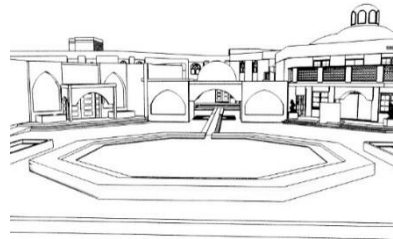
در این طرح آنچه به عنوان هدف اصلی مدنظر است پیاده‌سازی الگوی حسینی‌های دوره‌ی قاجار در طراحی فضایی فرهنگی مانند فرهنگسرا است. با تحلیل الگوی معماری حسینی‌های دوره‌ی قاجار کاشان و توجه به ویژگی‌های آن مانند محوربندی و جهت‌گیری، مرکزیت، خوانایی و شفافیت، اشکال هندسی پایه، محورهای حرکت و سکون و ... دیده شد که دو اصل اساسی در طراحی و سازمان‌دهی فضاها نقش بااهمیت‌تری ایفا می‌کنند، یکی محورها و دیگری اصل مرکزگرایی است. لذا بنیاد کلی طرح فرهنگسرا بر مبنای تقاطع محورها و مرکزگرایی قرار داده شده است و آنچه در طرح حائز اهمیت است پیروی از محورها و تقاطع آن‌ها در شکل‌گیری فضاهاست (تصویر ۱۴).



تصویر ۱۴. نمایش فضاها براساس محورهای اصلی و فرعی (مأخذ: نگارندگان)

- ورودی‌های مجموعه

در فرهنگسرا یک ورودی اصلی در جبهه شرقی و دو ورودی فرعی یکی در جبهه شمالی و دیگری در جبهه جنوبی در امتداد محورهای اصلی در نظر گرفته شده است. ورودی اصلی دسترسی خود را از پارک و بلوار دانش که در پشت سایت واقع شده است، می‌گیرد و افراد پس از عبور از دالان دهلیز مانند مسقف وارد صحن گشاده می‌شوند. فضاهای اداری و خدماتی تفریحی مانند آمفی‌تئاتر و رستوران در ارتباط مستقیم با فضای مقابل این ورودی طراحی شده‌اند، ضمن این که سعی شده از ایجاد اختلاف سطح جهت دسترسی آسان برای همگان در ورودی اصلی اجتناب شود (تصویر ۱۵).



تصویر ۱۵. اتود دید به ورودی اصلی (شرقی) از داخل پارک (مأخذ: نگارندگان)

جهت ورود سواره و جلوگیری از ورود وسایل نقلیه به داخل فضای پارک، فرعی حکمت ۶۲ که در پشت سایت قرار دارد و به دو بلوار مهم دانش و بلوار قطب راوندی راه دارد استفاده شده است، به طور کلی مجموعه دارای دو پارکینگ است که یکی اختصاصی و ویژه کارمندان و دیگری عمومی در نظر گرفته شده است، علاوه بر این تمامی سطح پشتی مجموعه به پارک وسایل نقلیه اختصاص داده شده است و کاملاً از فضای ویژه پیاده مجزا گردیده است (تصویر ۱۶).

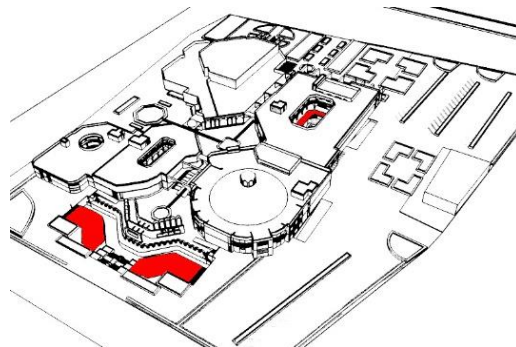


تصویر ۱۶. اختصاص فضای مجزا جهت پیاده و سواره (مأخذ: نگارندگان)

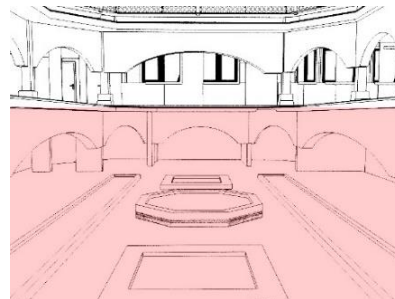
- فضاهای فروش

با توجه به اینکه هر بخش نیازهای خاص خود را داراست، لذا برای هر بخش متناسب با نیازهای آن فضاهای فروش مجزا در نظر گرفته شده

است. موزه به طور مستقل در طبقه‌ی فوقانی دارای گالری موقت برای فروش و نمایش دوره‌ای آثار و چاپخانه است و در کنار یکدیگر یک کافه گالری را ایجاد نموده‌اند که فضایی جهت تعامل و تبادل فرهنگی فراهم نموده و گروه‌های اجتماعی مختلف امکان استفاده از آن را دارند، همچنین در طبقه‌ی همکف کنار ورودی نیز فضاهایی جهت فروش محصولات موزه در نظر گرفته شده است. بخش آموزشی نیز دارای بوفه و تریا جهت سرویس‌دهی به هنرجویان بوده و در حیاط مرکزی این فضا غرفه‌هایی جهت نمایش و فروش آثار هنرجویان و وسایل مورد نیاز آنها در نظر گرفته شده است که علاوه بر کمک اقتصادی به هنرجویان و عرضه مستقیم محصولات و آثار ساخته شده، زمینه‌ای جهت پیشرفت و تشویق به هر چه بهتر شدن آثار فراهم می‌آورد (تصویر ۱۷ و ۱۸).

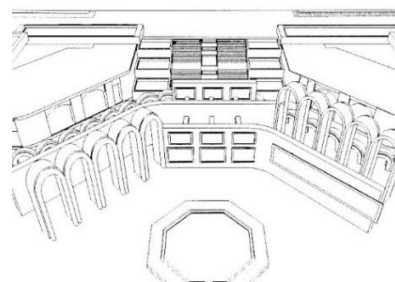


تصویر ۱۷. معرفی فضاهای فروش در دیدی کلی (مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۱۸. اتود غرفه‌های نمایش و فروش واقع در گودال باغچه‌ی بخش آموزشی (مأخذ: نگارندگان)

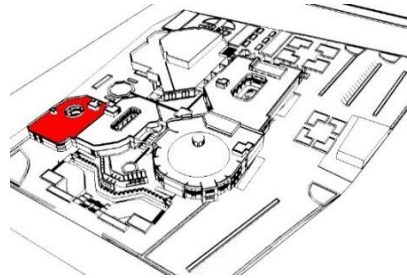
علاوه بر فضاهای فروش ویژه هر بخش در محوطه بیرونی جبهه‌ی شمالی نیز غرفه‌هایی برای نمایش آثار و فروش محصولات فرهنگی برنامه‌ریزی شده است که خود می‌تواند در تقویت عملکرد فضا و افزایش دعوت‌کنندگی و تبادل فرهنگی نقش مهمی داشته باشد (تصویر ۱۹).



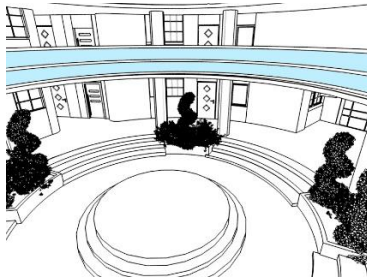
تصویر ۱۹. اتود فضای نمایش و غرفه‌های فروش در لبه‌ی شمالی مجموعه (مأخذ: نگارندگان)

- فضای ویژه کودکان (خانه کودک)

خانه کودک در دو طبقه طراحی شده است و در آن فضاهایی آموزشی ویژه کودکان مانند کارگاه موسیقی، نقاشی، سفالگری، نگارگری و ... در نظر گرفته شده است، همچنین فضاهایی جهت نمایش در نظر گرفته شده است تا کودکان در حین آموزش به فعالیت‌هایی نظیر نمایش عروسکی، تئاتر و تعزیه نیز بپردازند. در طراحی فضا از حیاط مرکزی دایره‌ای بهره گرفته شده که کارگاه‌ها، کلاس‌ها، مکان بازی و ... گرداگرد آن سازمان یافته‌اند و در طراحی فضاها سعی شده از فرم‌های منحنی شکل که برای کودکان از جذابیت بالایی برخوردار است بهره گرفته شود (تصویر ۲۰ و ۲۱).



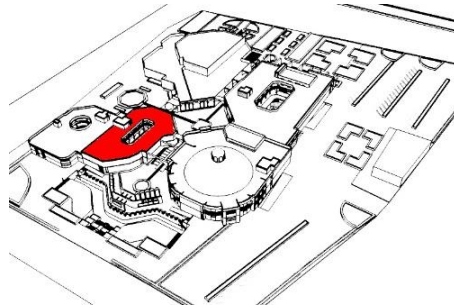
تصویر ۲۰. معرفی مکان قرارگیری خانه کودک (مأخذ: نگارندگان)



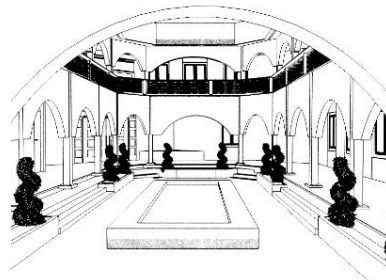
تصویر ۲۱. اتود حیاط مرکزی و فضاهای پیرامونی خانه کودک (مأخذ: نگارندگان)

- فضای اداری

این بخش از دو طبقه تشکیل شده است که به صورت حیاط مرکزی طراحی گردیده و عمده‌ی فضاهای اداری با اهمیت مانند دفتر ریاست و معاونت در طبقه‌ی همکف منظور شده است و سایر فضاها مانند انجمن‌های هنری و تریا و سالن کنفرانس در طبقه‌ی فوقانی در نظر گرفته شده است. فضای اداری به علت عملکرد متفاوت از سایر فضاهای فرهنگی مجزا می‌باشد، لذا در بدو ورودی فضایی به آن اختصاص داده شده است تا مراجعین بدون نیاز به ورود به داخل مجموعه و نیز بدون مزاحمت و ایجاد سر و صدا برای کارگاه‌ها و کلاس‌ها به کارهای اداری خود رسیدگی نمایند. همچنین سعی شده فضاهای اداری به دلیل استفاده روزانه‌ی کارمندان، از طراحی اقلیمی مطلوبی برخوردار باشد، نورگیری فضاها به طور عمده طبیعی بوده و به دلیل ارتباط مستقیم با حیاط به واسطه‌ی بازشوها از تهویه‌ی طبیعی نیز بهره می‌برد همچنین به واسطه‌ی ایوان دارای بسط بصری به فضای طبیعی حیاط است (تصویر ۲۲ و ۲۳).



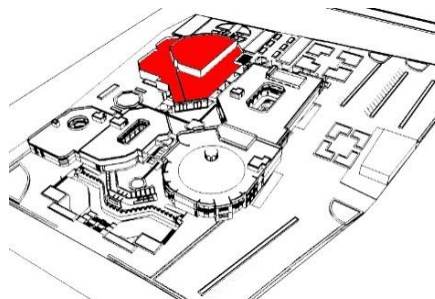
تصویر ۲۲. معرفی مکان قرارگیری بخش اداری در مجموعه (مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۲۳. اتود حیاط مرکزی بخش اداری و فضاهای پیرامون (مأخذ: نگارندگان)

- آمفی تئاتر

این فضا نیز به جهت ازدحامی که ممکن است به دلیل نوع عملکرد نمایشی آمفی تئاتر و جذابیت بالای آن به وجود بیاید در بدو ورودی در نظر گرفته شده است و افراد بدون نیاز به ورود به داخل مجموعه و بدون هیچ مزاحمتی می‌توانند در برنامه‌های آن شرکت نمایند، لذا در زمانی که سایر عملکردهای مجموعه تعطیل است این فضا قابلیت فعال بودن را دارد و باعث پویایی و تعامل پذیری هرچه بیشتر مجموعه می‌گردد، در نتیجه فضا را برای اقبال مختلف جامعه حضورپذیرتر و قابل پذیرش‌تر می‌نماید و سبب کاهش ناامنی و حذف پرتی و خلوت نامطلوب در فضای مجموعه می‌شود. لابی آمفی تئاتر به گونه‌ای طراحی شده است که از یک طرف افراد را به آمفی تئاتر و از طرف دیگر به رستوران هدایت می‌نماید و به نوعی این دو فضا را از یکدیگر تفکیک می‌کند (تصویر ۲۴).

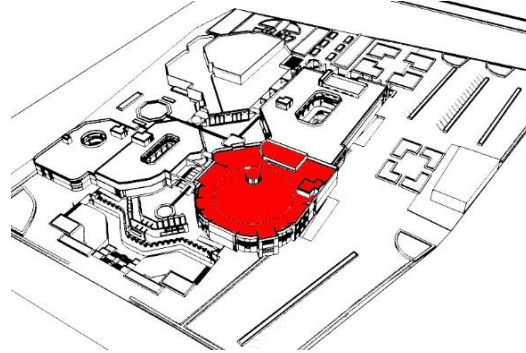


تصویر ۲۴. معرفی مکان قرارگیری آمفی تئاتر، کافی شاپ و رستوران در بدو ورود (مأخذ: نگارندگان)

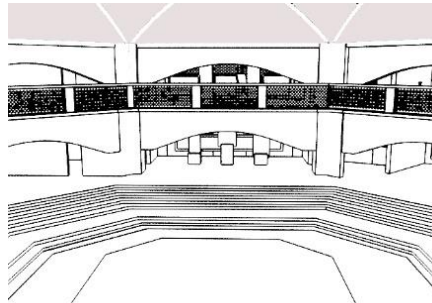
- فضاهای نمایشگاهی

در این مجموعه سعی شده بر حسب نیازهای عملکردی و هدف طراحی، فضاهای مناسبی جهت نمایشگاه در نظر گرفته شود. نخستین و مهم‌ترین فضا جهت نمایش و معرفی آثار، موزهی مردم‌شناسی محرم با وجه تسمیهی موزهی عاشورا است، این فضا به محض ورود افراد به

صحن مرکزی قابل رؤیت بوده و با ورودی شاخص خود که یادآور چهارطاقی است افراد را به ورود و تماشا می‌طلبد، افراد در دالان ورودی پیش‌زمینه‌ای از نوع موزه به وسیله‌ی عناصری مانند تمثال‌ها و ابزار و یراق می‌یابند تا با ذهنی آماده وارد گالری‌های اصلی موزه شوند (تصویر ۲۵).

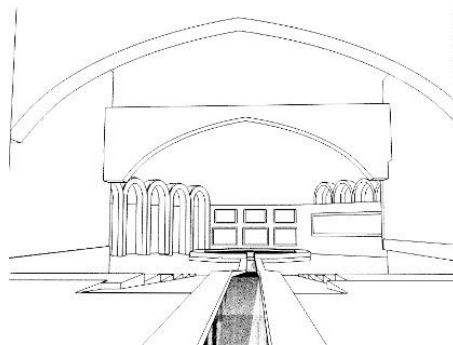


تصویر ۲۵. معرفی مکان قرارگیری موزه به عنوان اصلی فضای نمایشی مجموعه (مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۲۶. فضای داخلی موزه (مأخذ: نگارندگان)

همچنین فضای نمایشگاهی در جداره‌ی بیرونی مجموعه در جبهه‌ی شمالی برنامه‌ریزی شده است که به وسیله‌ی رمپی از صحن مرکزی قابل دسترسی است و سبب تقویت عملکردی وجه شمالی می‌گردد و ارتباط مجموعه را با فضای پارک تقویت می‌نماید (تصویر ۲۷).

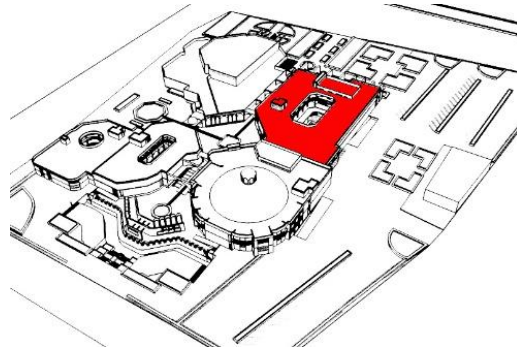


تصویر ۲۷. اتود دید از سن به گالری آزاد وجه شمالی (مأخذ: نگارندگان)

فضای آموزشی

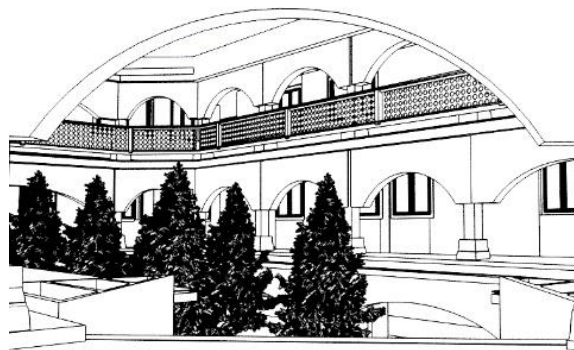
این فضا در جبهه‌ی غربی و به صورت حیاط مرکزی طراحی شده است و دسترسی خود را از صحن مرکزی تأمین می‌کند. عملکرد این فضا به صورت دوره‌ای بوده و تنها در زمان‌های تعیین شده در دسترس هنرجویان قرار می‌گیرد. به دلیل سکوت و امنیت مورد نیاز فضای آموزشی، این

فضا در داخل مجموعه مستقر شده است و پس از طی سلسله مراتبی قابل دسترس می‌باشد، همچنین جهت کاهش ارتباط با فضای بیرون و فراهم نمودن شرایط تمرکز و تفکر مورد نیاز فضاهای آموزشی و پنهان نمودن آن از نفوذ بصری و صوتی مزاحم، این فضا به صورت درون‌گرا با حیاط مرکزی طراحی شده است (تصویر ۲۸).



تصویر ۲۸. معرفی مکان قرارگیری فضای آموزشی (مأخذ: نگارندگان)

فضای آموزشی از کارگاه‌ها و کلاس‌های تئوری در دو طبقه تشکیل شده است. کارگاه‌ها و کلاس‌ها به دلیل کیفیت عملکردی مختلف از یکدیگر مجزا گردیده‌اند، به نحوی که در یک طرف حیاط مرکزی کلاس‌ها و در طرف دیگر آن و در مقابل کلاس‌ها کارگاه‌های مربوطه مستقر شده‌اند. در کارگاه‌ها تلاش شده در کنار نور مصنوعی مورد نیاز از نور طبیعی نیز به واسطه‌ی بازشوها بهره گرفته شود و این فضا به جهت دسترسی آسان برای حمل اشیاء ارتباط مستقیمی با ایوان و حیاط مرکزی دارد، همچنین بهره‌گیری از تهویه‌ی طبیعی نیز نسبت به تهویه مصنوعی در اولویت قرار دارد. طراحی کلاس‌ها نیز از نظر تأمین نور و تهویه مشابه کارگاه‌ها در نظر گرفته شده است (تصویر ۲۹).



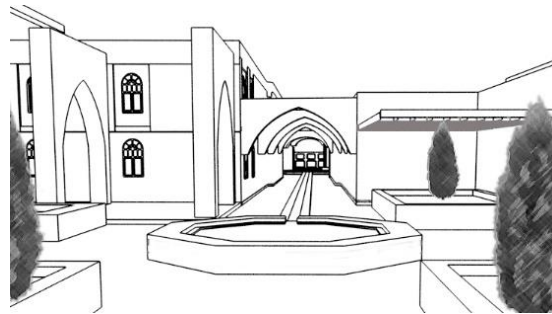
تصویر ۲۹. اتود حیاط مرکزی و فضاهای پیرامون بخش آموزشی (مأخذ: نگارندگان)

کتابخانه

با توجه به ماهیت فرهنگی کتابخانه و نقش مهم آن در ارتقاء فرهنگ جامعه سعی شده است که به عنوان فضایی مشترک میان موزه و قسمت آموزشی در نظر گرفته شود و نقطه اتصال این دو فضا محسوب می‌شود. بخشی از کتابخانه به مرکز اسناد موزه تعلق گرفته است و دارای فضایی برای مطالعه نیز می‌باشد. دسترسی به کتابخانه هم از طرف موزه و هم از طرف قسمت آموزشی به وسیله‌ی پلکان و آسانسور میسر است. در بدو ورود به فضای کتابخانه جهت تشویق افراد به مطالعه، مخزن باز قرار داده شده است، که دارای فضای مطالعه با مبلمان راحت و میز و صندلی تک نفره است. در مقابل مخزن باز مرکز اسناد و نشریات قرار داده شده است. در انتهای سالن مخزن بسته در نظر گرفته شده است و پس از آن به طرف ورودی کتابخانه، سالن‌های مطالعه قرار داده شده است که دارای میز و صندلی‌های معمول کتابخانه به صورت جمعی یا منفرد است، لذا امکان گزینش محل نشستن و مطالعه به افراد داده می‌شود.

فضاسازی محوطه‌ی فرهنگسرا

در فضاسازی محوطه سعی شده از المان‌های فرهنگی منطقه مانند حوض و به کارگیری آب در طراحی فضا و داربست‌ها جهت سایه‌افکنی استفاده شود و نیز مفاهیمی مانند نظم، تنوع بصری، پویایی در فضا رعایت شود، لذا مسیرهای حرکتی به خوبی مدیریت شده و با ردیف درختان و کف‌سازی بین آن‌ها مسیرهایی به وجود آمده است که حرکت و جهت را تقویت نموده و حصار طبیعی برای تعیین مرزهای مجموعه ایجاد نموده است. سعی شده است طراحی محوطه در امتداد محورهای اصلی مجموعه و با بکارگیری عناصر طبیعی انجام شود، همچنین جهت دعوت‌کنندگی بیشتر فضا اقدام به طراحی فضاهایی جهت فروش و نمایش در محوطه بیرونی شده است که از نظر عملکردی سبب ایجاد پویایی، جنب و جوش و جذابیت در فضا می‌گردد (تصویر ۳۰).



تصویر ۳۰. اتود نمونه‌ای از محوطه‌سازی در فضای ورودی جبهه‌ی جنوبی مجموعه (مأخذ: نگارندگان)

نتیجه‌گیری

معماری هر منطقه تبلور ارزش‌ها و باورهای نهفته در آن جامعه می‌باشد و فرهنگ غالب منطقه را منعکس می‌سازد. از این میان معماری آئینی سهم عمده‌ای در معرفی و شناساندن فرهنگ و هویت بومی منطقه دارا است، این موضوع به ویژه در شهرهای مذهبی مانند کاشان که از پیشینه‌ی غنی فرهنگی برخوردارند، بسیار حائز اهمیت است. حسینی‌ها به دلیل عملکرد آئینی بالا و عدم وجود محدودیت‌های مساجد در برگزاری مناسک آئینی و پذیرش افراد، نسبت به سایر اماکن آئینی از اهمیت بالاتری در ترویج، آموزش و سازندگی فرهنگ جامعه برخوردار هستند. در گذشته حسینی‌ها به عنوان مراکز فرهنگی در آموزش علوم و فنون و ارتقاء فرهنگی جامعه معادل فرهنگسراهای امروزی عمل می‌نموده‌اند. ویژگی‌های الگوی معماری به کار رفته در حسینی‌ها چنان بوده است که توانائی پاسخ‌گوئی به نیازهای متنوع عملکردی، آئینی و فرهنگی و نیز جذب و پذیرش اقوام مختلف را دارا بوده است، همچنین بررسی الگوی معماری این فضاها به لحاظ تاریخی، فرهنگی و اجتماعی بسیار حائز اهمیت هستند. لذا با بازخوانی ویژگی‌های الگوی معماری به کار رفته در این بناها می‌توان به طراحی مرکزی فرهنگی منطبق با زمینه و معرف فرهنگ منطقه اقدام نمود، در نتیجه پیوندی ناگسستنی میان افراد و هویت بومی‌شان برقرار کرد. از این رو بازخوانی ویژگی‌های الگوی معماری حسینی‌های دوره‌ی قاجار به دلیل اهمیتی که ساخت این‌گونه بناها از طرف حکومت وقت دارا بوده است، جهت طراحی فرهنگسرا در نظر گرفته شده است. لذا طرح نهائی براساس ایده‌های حاصل از بازخوانی الگوی معماری حسینی‌ها با رعایت ضوابط و اصول به دست آمده از مطالعه‌ی بستر طرح و جداول برنامه فیزیکی تدوین شده طراحی گردید و سعی شد شاخص‌ترین معیارهای موردنظر پژوهش به عنوان اصلی‌ترین راه‌حل طرح در طراحی تک‌تک فضاهای فرهنگسرا اعمال گردد.

از این رو فضاهائی خلق گردید که در عین برخورداری از شخصیتی مستقل و متناسب با عملکرد خویش در پیوند با سایر فضاها بوده و قابلیت پاسخ‌گوئی به نیازهای متنوع مخاطبین را از طریق ایجاد فضاهائی اجتماعی‌پذیر و دعوت‌کننده ضمن تعریف قلمرو و حفظ امنیت دارا باشد و در نهایت مجموعه‌ای یکپارچه جهت افزایش تعاملات اجتماعی و تبادلات فرهنگی در کنار برنامه‌های آموزشی و از همه مهم‌تر آشنائی با فرهنگ بومی منطقه که هدف اصلی طراحی مجموعه بوده است ارائه شود؛ از این رو توجه و تأکید طرح بر به کارگیری مفاهیم هویتی و فرهنگی - مذهبی منطقه بوده که در فرم و فضاهای فرهنگسرا تجلی یافته است.

در پایان امید است که اعمال الگوی معماری به دست آمده در طرح در افزایش کیفیات فضاهای فرهنگی متناسب با عملکرد و نیازهای کاربران مؤثر واقع گردد و معماری بتواند وظیفه‌ی خویش را در انتقال و ارتقاء فرهنگ بومی منطقه، شناخت و پیوند افراد با ریشه‌های فرهنگی و مذهبی خویش را برقرار نماید.

منابع

- اردلان، نادر و بختیار، لاله، ۱۳۹۶. حس وحدت، نقش سنت در معماری ایرانی، (ترجمه و نداد جلیلی). تهران: انتشارات علم معمار رویال.
- اوجیزی، سمیه و مهدی‌نژاد، جمال‌الدین، ۱۳۹۸. «بازآفرینی فضای معماری با رویکرد ارتقاء هویت ایرانی». پژوهش‌های مرمت و معماری ایرانی اسلامی، ۲ (۴): ۳۳-۴۵.
- بابک، داریوش؛ اسگارد، آن و منصور، سیدامیر، ۱۳۹۹. «چارتاقی، تداوم تقدس کوه در آیین‌ها، معماری و منظر ایران». منظر، (۵۳): ۶۴-۷۳.
- بمانیان، محمدرضا و امینی، معصومه، ۱۳۹۰. «بررسی شاخص‌های مؤثر در شکل‌گیری تعادل در معماری مسلمانان (نمونه موردی: مسجد جامع اصفهان)». مطالعات شهر ایرانی اسلامی، (۵): ۱۷-۲۷.
- حاجیان، مینا؛ تاجر، سیدعلی و مهدوی‌نژاد، محمدجواد، ۱۳۹۹. «تأثیر حیاط در شکل‌گیری پیکربندی خانه‌های سنتی ایران در کاشان». معماری و شهرسازی آرمانشهر، ۳۰ (۳۰): ۴۳-۵۵.
- حاجی‌زاده، مطهره و رحیمی، عبدالرفیع، ۱۳۹۸. «تأثیر اندیشه‌های شیعی - صوفی بر معماری شهری کاشان (از دوره ایلخانی تا آغاز صفویه)». دو فصل‌نامه اندیشه معماری، ۴ (۷): ۲۹-۴۳.
- خرم‌روی، ریحانه؛ ماهان، امین و فرزین، احمدعلی، ۱۳۹۸. «تبیین مفهوم منظر آئینی و بررسی جلوه‌های تبلور آن»، هویت شهر، (۳۸)، ۵۴ - ۶۶.
- دریایی، نازیلا، ۱۳۹۵. «اخلاق و میراث فرهنگی». فصل‌نامه اخلاق در علوم و فناوری، (۲): ۱۹-۲۸.
- دفتر فنی اداره میراث فرهنگی کاشان، پرونده ثبتی: حسینیه تاریخی حاج‌نایب، ۱۳۸۷/۱۰/۱۵، شماره ۲۴۰۲۸-۲۷۸.
- دفتر فنی اداره میراث فرهنگی کاشان، پرونده ثبتی: حسینیه تاریخی دیزچه، ۱۳۸۶/۸/۲۲، شماره ۱۹۸۴۹-۲۴۶.
- دفتر فنی اداره میراث فرهنگی کاشان، گزارشات مربوط به ثبت بنای تاریخی حسینیه پهلوان(فین بزرگ)، ۱۳۸۱/۷/۷، شماره ۶۵۳۸.
- دفتر فنی اداره میراث فرهنگی کاشان، گزارشات مربوط به ثبت بنای تاریخی حسینیه ماداب، ۱۳۸۵/۲/۶، شماره ۱۷۴۸۸.
- دفتر فنی اداره میراث فرهنگی کاشان، گزارشات مربوط به ثبت بنای تاریخی حسینیه درب‌باغ، ۱۳۸۴/۵/۱۱، شماره ۱۲۳۲۱.
- دهار، علی و علی‌پور، رضا، ۱۳۹۲. «تحلیل هندسی معماری مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان، جهت تعیین ارتباط هندسی نمازخانه با جلوخان ورودی بنا». باغ نظر، ۱۰ (۲۶): ۳۳-۴۰.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۲۵. لغت‌نامه دهخدا، جلد ۳. تهران: انتشارات مجلس.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۴۲. لغت‌نامه دهخدا، جلد ۹. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷. لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دی کی چینگ، فرانسیس، ۱۹۸۸. معماری فرم، فضا و نظم، (ترجمه ز. قراگزلو، ۱۳۹۷). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دیزانی، احسانی، ۱۳۹۲. «ساختار شکل در ابنیه آئینی اسلام». هنر و تمدن شرق، (۲): ۱۲-۱۷.
- ذال، محمدحسن؛ علیی، میثم و همتی‌ازندریانی، اسماعیل، ۱۳۹۴. «تداعی معانی و انتقال مفاهیم شیعی در معماری آئینی (مطالعه موردی سقانفارهای امل)». تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ۶ (۱۸): ۱۳۳-۱۵۴.
- ذکرگو، امیرحسین، ۱۳۸۸. «مفهوم «فرم» و درجات کمال هنری در آراء کوماراسوامی». خیال، (۱۸): ۶۸-۷۵.
- رحمانی، جبار و فرح‌زاد، یاسمن، ۱۳۹۲. «نظام آئینی عزاداری به مثابه‌ی نظام ارتباطی». فصلنامه علمی ترویجی جامعه، فرهنگ و رسانه، ۳ (۹): ۴۱-۵۶.
- رضوی‌پور، مریم‌سادات، ذاکری، محمدمهدی و جباری، احسان، ۱۳۹۱. «هویت ایرانی - اسلامی شهر تهران در گذر زمان». فصل‌نامه مطالعات ملی، ۱۳ (۳): ۱۳۳-۱۴۷.

- ستاره، عسل؛ گسیلی، بهرام و رستم‌زاده، یاور، (۱۴۰۱)، «بازخوانی الگوی معماری آئین دوره قاجار (مطالعه موردی، حسینیه‌های ماداب، پهلوان، حاج‌نایب، دیزچه و درب‌باغ)»، معماری اقلیم گرم و خشک، ۱۰(۱۵): ۴۹-۷۶.
- سلطانی، مهرداد؛ منصوری، سیدامیر و فرزین، احمدعلی، ۱۳۹۱. «تطبیق نقش الگو و مفاهیم مبتنی بر تجربه در فضای معماری». باغ نظر، (۲۱): ۱۴-۳.
- شریفی شکوه، زینب، ۱۳۹۷. «وضعیت فکری و فرهنگی ایران در عصر قاجار». فرهنگ پژوهش، ۳۳ (۳۳): ۱۲۷-۱۴۸.
- شکاری، عباس، ۱۳۸۵. «تاریخ مدارس در کاشان». کاشان شناخت، (۲): ۱۴۹-۱۶۲.
- علی‌محمدی، غلامرضا و عبدالهی، رکسانا، ۱۳۹۶. «تبیین مبانی نمود فرهنگ در معماری بومی ایران و ارتباط آن با ایجاد حس تعلق به مکان». مدیریت شهری، (۵۰): ۳۳-۴۶.
- فلاح، ابوالفضل و دهقان منشادی، ساغر، ۱۳۹۷. «طراحی فرهنگستان سرناد در بافت شهری تاریخی یزد (نمونه موردی: محله تاریخی اکبرآباد)». پژوهش‌های نوین علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی، (۱۸): ۸۹-۱۰۸.
- کاظمی شیشوان، مهروش و بایبوردی، مهسا، ۱۳۹۸. «نقش آیین‌گذار در ساختار کالبدی حمام‌های عمومی ایران». باغ نظر، ۷۹ (۷۹): ۳۹-۵۰.
- کاظمی، سیدمحمد و کلانتری خلیل‌آباد، حسین، ۱۳۹۰. «ابزارهای پیام‌رسانی معنوی در معماری مسجد با تأکید بر نقش ایدئولوژی اسلامی». فصل‌نامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، (۶): ۴۱-۴۶.
- کریمی، محمدصادق و مرادی، ابراهیم، ۱۳۹۹. «بازشناخت ابعاد عینی و ذهنی زیباشناسی معماری اسلامی در دوران معاصر». مطالعات هنر اسلامی، ۱۶ (۳۷): ۱۷-۱.
- الکساندر، کریستوفر، ۱۹۷۹. معماری و راز جاودانگی، راه جاودانه ساختن، (ترجمه م. قیومی بیدهندی، ۱۳۹۶). تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- محمدی، محمد و آیت‌اللهی، محمدحسین، ۱۳۹۴. «عوامل مؤثر در ارتقای اجتماع‌پذیری بناهای فرهنگی، بررسی موردی: فرهنگسرای فرشچیان اصفهان». نامه‌ی معماری و شهرسازی، (۱۵): ۷۹-۹۶.
- محمودی، فتنه و طاووسی، محمود، ۱۳۸۷. مضامین تصاویر انسانی در سقائفارهای مازندران (بررسی تطبیقی نقوش سقائفارهای «شیاده» و «کردکلا»). نشریه هنرهای زیبا، (۳۶): ۶۷-۷۶.
- مدرس‌پور، صدیقه، ۱۳۶۹. «ضرورت بازنگری بر نقش فرهنگسرا در توسعه فرهنگی». علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، (۲۹): ۸۳-۹۵.
- مسعودی فرد، مسعود و کوچکیان، مسعود، ۱۳۹۲. «پدیداری زبان معماری و شهرسازی اسلامی در بروز حقیقت اثر معماری؛ رویکردی کیهان‌شناختی و شناخت‌شناختی». مدیریت شهری، (۳۲): ۱۰۱-۱۲۲.
- مظهری، محمدابراهیم و پودات، فاطمه، ۱۳۹۸. «نقش آئین‌های مذهبی در ساختار شهر سنتی (مطالعه موردی: شهر شوشتر)». نشریه توسعه اجتماعی، (۱۳): ۵۲-۱۳.
- ۱۸۷-۲۰۸.
- معظمی، منوچهر و عیسی، حجت، ۱۳۹۶. «ریشه‌های گسست و گم‌گشتگی فرهنگی در معماری معاصر ایران». معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، (۲۱): ۱۰۳-۱۱۲.
- منصوری، رضوانه و ثقفی اصل، آرش، ۱۳۹۹. «شناسایی عوامل مؤثر در برنامه‌ریزی معماری مراکز فرهنگی بر اساس تقویت تعاملات اجتماعی شهروندان». نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۲۰ (۵۹): ۲۶۹-۲۸۹.
- مؤمنی، کوروش و مسعودی، زهره، ۱۳۹۶. «رابطه فرهنگ و معماری (با بررسی موزه هنرهای معاصر تهران)». جلوه هنر، ۱۵ (۱۵): ۶۷-۸۳.
- مؤمنی، کوروش؛ عطاریان، کوروش؛ دیده‌بان، محمد و وصال، مریم، ۱۳۹۶. «محرمت در معماری خانه‌های دزفول (مطالعه موردی: دوران قاجاریه)». دوره‌ی جدید، (۲): ۷۹-۹۳.
- ناری‌قمی، مسعود، ۱۳۸۹. «مطالعه‌ای معناشناختی در باب مفهوم درون‌گرایی در شهر اسلامی». هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، (۴۳): ۶۹-۸۲.
- نظام دوست، سیدامیررضا، کلانتری خلیل‌آباد، حسین و یاران، علی، ۱۳۹۸. «تبیین الگوی کالبدی مسکن معاصر مبتنی بر معماری زمینه‌گرا در شهر کاشان؛ مطالعه موردی: خانه‌های تاریخی منتخب دوره قاجار». مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۳۸ (۳۸): ۵-۲۰.

نقی‌زاده، محمد و امین‌زاده، بهناز، ۱۳۸۲. «فرهنگ و کالبد: مراسم محرم و شکل‌گیری سازمان فضایی روستاهای برزرو» . مسکن و محیط روستا، (۱۰۲): ۱۲-۲۹.

نقی‌زاده، محمد، ۱۳۷۹. «هنرهای تجسمی: رابطه معماری ایران با اصول توسعه پایدار». هنر، (۴۴): ۶۱-۷۸.

Embaby, M. E., 2014. Heritage conservation and architectural education: "An educational methodology for design studios". *HBRC Journal*, (10): 339-350.

Salingaros, N. A. (2000). The Structure of Pattern Languages. *Architectural Research Quarterly*, (4): 149-161.

Ulusoy, M. and E. Yildiz Kuyrukcu, 2012. The meaning and importance of the traditional architecture in architecture education; gonen winter school model, *Procedia – Social and Behavioral Sciences*, (47): 2120-2126.

The design of the cultural center according to the architectural model of the Qajar-period Hosseiniyehs of Kashan

Asal Sattar*, Bahram Ghasili, Yavor Rostamzadeh

Abstract

The construction of religious buildings such as Hosseiniyehs was very prosperous during the Qajar period in the Shiye city of Kashan, which stood out and represented the religious culture of the people of this region. Considering the disorder and cultural discontinuity that can be seen in the architecture of Kashan city, the need for culture-building is felt in connection with the use of past patterns. According to the religious and cultural background of Kashan, the most obvious and lasting of these models is the architectural model of the Qajar period Hosseiniyehs, which are considered to be the hallmark of Kashan city. Therefore, the main goals that are followed in the research are the design of a cultural and educational space to spend leisure time and pay attention to the social and cultural development of the region, as well as culture and promotion of the native culture of Kashan region, inspiration from Islamic religious values and the presentation of a lasting work, preserving the identity and historical social values in accordance with the context and creating a responsive space. In this regard, it has been tried to design the cultural center and its spaces with a qualitative method based on the characteristics of the Hosseinieh architectural model. Therefore, spaces were created that, while having an independent personality and appropriate to their function, are connected with other spaces and have the ability to respond to the diverse needs of the audience by creating sociable and inviting spaces while defining the territory and maintaining to have security and finally to provide an integrated collection to increase social interactions and cultural exchanges along with educational programs and most importantly familiarity with the native culture of the region which was the main goal of the collection design; Therefore, the attention and emphasis of the plan is on the application of identity and cultural-religious concepts of the region, which is manifested in the form and spaces of the cultural center.

Key words: culture, cultural center, religious architecture, Hosseiniyeh, model